

قدرت خلق بازنمایی اندیشه: ورزش، نمایش، فن و تفکر



مردم شناسی ورزش

کندال بلانچارد

ترجمه‌ی علیرضا حسن زاده و حمیدرضا قربانی

نشر افکار و پژوهشکده مردم شناسی، ۱۳۸۷

کتاب ماه

آذر ۱۳۸۷

۴۰

خویشاوندی، تابو و نظم اجتماعی مرتبط می‌سازد. این همه بر آمده از ادبیاتی است که اشتروس و دیگر انسان‌شناسان ایرانی چون داگلاس نوشته و مطرح ساخته‌اند. اما جالب است که از این الگو می‌توان بهره برد و آن را در ورزش بازجست و نشان داد که معانی مهم و اساسی زندگی اجتماعی انسان چون هویت، ساختار اندیشیدن، پیوندهای گروهی، و... در ورزش نیز متجلی می‌گردد. از این منظر است که یکی از مهم ترین منابع ادبیات انسان‌شناسی به زبان انگلیسی به یاری خواننده فارسی زبان می‌آید تا او را از بنیادهای کهن ورزش در نزد تمدن‌های جهانی مطلع سازد و از سوی دیگر نمونه‌های درخشان از مطالعات ورزش در جهان را به او معرفی کرده و نقاط قوت یا ضعف آن را برای او آشکار سازد. در ایران متأسفانه تاکنون مبحث مردم‌شناسی ورزش مطرح نبوده و مطالعات

در آغاز تلاش می‌شود با نشان دادن شباهت دو پدیده‌ی اجتماعی بر شفافیت موضوعی که محور نقد کتاب مردم شناسی ورزش قرار داده شده، افزوده شود. در ادبیات انسان‌شناختی آثار "لوی اشتروس" به ویژه سه گانه‌های او نشان داد که تا چه حد تحول نظام غذایی انسان می‌تواند رشد و پیشرفت مکانیسم ذهنی او را نشان دهد. غذا، یکی از سطوح تجربه‌ی انسان را دربرمی‌گیرد که تعریف کننده‌ی مفهوم فرهنگ در برابر طبیعت است. غذای طبیعی و غذای فرهنگی دو ساختار متفاوت را در بر داشته‌اند و انواع تغییراتی که انسان در مواد طبیعی برای تبدیل آن به غذا انجام داده است، از پختن تا اشکال نگهداری خوراکی‌ها، صورت‌های رشد ذهن انسان را می‌نمایانند. با این حال تبدیل غذا به نظامی از معانی نمادین و استعاری، آن را با معانی چون ساختار

مربوط به آن از غنای نظری این شاخه در جهان برخوردار نشده است و به این ترتیب معرفی این حوزه گام مهمی بود که باید برداشته می‌شد. نویسنده‌ی کتاب کنдал بلانچارد یکی از چهره‌های شاخص انسان‌شناسی ایالات متحده است که حوزه‌ی اصلی مطالعات او به ویژه ورزش است. کتاب مردم‌شناسی ورزش در چند مرحله توسط او ویراسته شده و آخرین ویرایش آن متنی است که مترجمان ایرانی آن را به جامه‌ی زبان فارسی درآورده‌اند. کتاب مهم دیگر بلانچارد بازی در نزد چاکتوهای می‌سی‌سی‌پی است. کتاب مردم‌شناسی ورزش با شرح کاملی از روش‌ها، نظریات و مکاتب انسان‌شناسی همراه است. نویسنده برای افزایش درک خواننده ترجیح داده تا در این کتاب مفاهیم بنیادینی چون مفهوم فرهنگ و ویژگی‌ها و ساختار آن را توضیح دهد. در همین بخش دو بحث مهم مطرح می‌گردد، نخست هویت نمادین فرهنگ که در بحث از ورزش نیز صدق می‌کند و این نقد در واضح ساختن رابطه‌ی ورزش با هنر از آن بهره‌مند خواهد شد و از سوی دیگر بحث بسیار مهم رابطه‌ی فراغت، کار و ورزش است. در بحث مربوط به معنای ورزش با رویکرد فرهنگی، بلانچارد به بررسی تفاوت میان ورزش، بازی و کار توجه می‌کند. در این بخش او نشان می‌دهد که به سادگی نمی‌توان ورزش را صرفاً کار یا صرفاً تفریح دانست. به نظر بلانچارد "ورزش می‌تواند در فرم‌های مختلفی منعکس‌کننده‌ی ترکیب کار، فراغت، بازی و نابازی باشد. جالب آن است که تلقی ورزش به عنوان کار یا تفریح با توجه به موقعیت سنی، شغلی و اجتماعی فرد متفاوت خواهد بود. کودکی که در مدرسه ورزش می‌کند یا زن و مردی که اوقات فراغت خود را با ورزش پر می‌کنند، تعبیر "کار" از ورزش ندارند... از سوی دیگر ورزش در سطوحی چون پاتیناژ و ژیمناستیک پهلوی به پهلوی هنر زده و مهارت در انجام فعالیت‌های متفاوت و گوناگون آن را به فراتر از یک معنای ساده و رفتار جسمانی از ورزش یا بازی می‌برد. این واقعیت حتی به تنهایی در خصوص ورزش‌هایی با مهارت‌های پرش، جنبش و حرکات موزون ختم نمی‌شود. بازیگرانی چون مارادونا که در عرصه‌ی فوتبال جادوگر نامیده شده‌اند، چون یک هنرمند محبوب جمعیت را به وجد آورده و مجذوب خود می‌سازند. در اینجاست که می‌توان دو عنصر وجد و مهارت را عناصری دانست که می‌توانند با تبدیل ورزش به یک متن پرکشش، صورتی هنری یابند. مردم به سینما یا تئاتر می‌روند تا هنرنمایی بازنموده شده‌ی هنرمندان را مشاهده کنند. به همین سیاق مردم به ورزشگاه‌ها می‌روند تا مهارت، مبارزه و هنر بازیگران را مشاهده کنند. همین ویژگی است که انسان‌شناسان فوتبال را به اظهار نظرهایی از این نوع وامی‌دارد که فوتبال در سرزمین‌هایی از نوع برزیل و آرژانتین، ماهیتی پسامدرن دارند در برابر فوتبال مدرن اروپایی که در آن جادوی بازیکنان جادوگری چون پله و مارادونا کمتر درک می‌شود.

در این میان در کتاب فصولی چون ماقبل تاریخ و تاریخ باستانی ورزش، همکاری مردم‌شناسان و باستان‌شناسان را در یافتن نخستین صورت‌های ورزش در تمدن‌های کهن نشان می‌دهد. هر چند مطالعه‌ی جوامع روستایی و غیر پیچیده نیز به بازسازی صورت‌های قدیمی ورزش در کتاب یاری رسانده است. با این حال کتاب نشان می‌دهد که ورزش

در دو مسیر معنای نمادین بسیار قوی‌ای می‌یابد و جنبه‌های نمادین، به آن معنایی شبیه به هنر و دست‌کم معنای ورزش آنجا که به رزم‌آوری و نبرد نزدیک می‌شود، حالتی شبه جنگ و نبرد گونه می‌یابد. از سوی دیگر نمایش نیز چشم‌انداز دیگری از برجسته‌تر شدن معنای نمادین ورزش را متجلی می‌سازد. این در حالی است که کتاب با مروری بر بخش قابل توجه کتاب‌های مردم‌شناسی ورزش در جهان، تفاوت نوع نگاه و چشم‌انداز نظری آنها را با مروری منتقدانه مطرح می‌کند. در همین آثار ورزش در بطن و متن زندگی جاری است.

کتاب مردم‌شناسی ورزش از آن روی بیش از سطوح دیگر می‌تواند مفید واقع شود که کتاب بر درک فرهنگی ما نسبت به ورزش می‌افزاید. ورزش از نگاه بلانچارد از یک سو تکامل فرهنگ انسانی و ذهن او را منعکس می‌کند و از سوی دیگر، تنها حاوی معنای حرکتی بدنی و نظامی از تمرین‌ها و ورزشی‌های جسمانی نیست. ورزش با دین، آیین، مبانی تمدنی، هویت، بازنمایی معنای اسطوره‌شناختی... گره می‌خورد و می‌تواند ویژگی‌های عصر، قرن و تمدن خود را نشان دهد. در اینجاست که بلانچارد از اهمیت ماهیت پسامدرن ورزش سخن می‌گوید و یکی از راه‌های مقابله با جمود مدرنیته را آنجا که به انکار سنت، آیین، اسطوره و... می‌آید، درک اهمیت ورزش‌های آیینی و کهن و کمک به حفظ آنها می‌شمرد. او این فرایند را راه مقابله با فرایند آیین‌زدایی ورزش و تجاری‌شدن آن می‌شمرد. بلانچارد هنر کمانداری را بر اساس ذن مثال می‌زند اما ما نیز از این شمار می‌توانیم به کشتی پهلوانی، کمانداری و.. اشاره کنیم. قهرمانان ما یا چون آرش کماندار بوده‌اند یا چون رستم کشتی‌گیری چیره دست و پهلوان.

شاید مهم‌ترین خدمت کتاب مردم‌شناسی ورزش درک ارتباط ورزش با آیین و اندیشه و یافتن معنای چند فرهنگی در آن است. ورزش در کشور ما در نتیجه‌ی موج تجاری شدن پیوند خود را با جهان‌بینی، آیین و هنر قطع می‌کند و به این ترتیب در شتابزدگی برخاسته از مدرن دیدن ورزش، بر سنت‌هایی که ورزش را در خود می‌پرورند، پشت می‌کند. درک و دانش فرهنگی ما از ورزش با خواندن کتاب مردم‌شناسی ورزش بدون شک افزایش خواهد یافت.